

جذب و ولهی در مدینهٔ عشاق ظاهر چه که جوهری از جواهر ثمینه قصد کان خود نموده ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۵۰

جناب حیدر قبل علی علیه بهاء الله الاهی

هو الکریم ذو الفضل العظیم

جذب و ولهی در مدینهٔ عشاق ظاهر چه که جوهری از جواهر ثمینه قصد کان خود نموده و عاشقی از عشاق سبقت گرفته و خود را در سبیل مقصود عالمیان فدا کرده آن الذنب اقترس و الظالم عقر و الثعبان فاغر و بلع سبحان الله اعمالیکه سبب حیرت ملاً اعلی است در عباد جاهل تأثیر ننموده جذب ایام و ظهور انوار و بروز اسرار امام وجوه مشهود و لکن بی اثر مشاهده میشود و بی ثمر ملاحظه میگردد چه که عصیان سدرهٔ استحقاق را قطع نموده و رجا را از قلوب محو کرده الی حین در وجود عباد نور امر و لطافت آن و جوهریت آن ظاهر نه از حق بطلب تبدیل فرماید تغییر دهد آنه هو الجواد الکریم

حی علیک نور الله و رحمته و عز الله و عنایته واقعهٔ ارض صاد را سبب عدم فساد بوده ارادهٔ ظالمین و قصدشان چون مقبول نیفتاد بر ظلم قیام نمودند آنجناب شاهد و مقرّین و مخلصین گواه که اینظلوم بجنود مواعظ و نصایح و حکمت و بیان آن نفوس را حفظ نمود و لکن نظر بعدم ذکر این عنایت کبری مستور مانده و سترش عند الله اولی از جهر آنهم بریئون مّا اعمل و انا بری مّا یعملون و لکن اولیا طراً را بصبر و اصطبار وصیت مینمائیم باید کل بافق اعلی ناظر باشند امور را بحق جلّ جلاله تفویض کنند طوبی للمتوکلین الذین توکلوا فی الامور علی الله مالک یوم النّشور بیقین مبین بدان این ظلمهای واردهٔ عظیمه تدارک عدل اعظم مینماید ظلم فرعون عدل موسی را تدارک نمود و ید اقتدار از بیت او ظاهر کرد آنچه را که بتمام جد و جهد از آن احتراز مینمود و در رفعش میکوشید شوکهٔ الله فوق شوکتهم و امر الله فوق اوامرهم و ارادهٔ الله فوق اراداتهم



ORIGINAL

نامه آنجناب که باسم جود ارسال نمودید در ساحت مظلوم حاضر و آنچه مذکور باصفا فائز طلب شهادت نمودید و مقامش را از حق جلّ جلاله از قبل و بعد سائل شده‌اید و قلم اعلی شهادت می‌دهد بر شهادت شما اشکر ربّک بهذا الفضل المبین

در باره سلطان الشّهدا قبل از شهادت ظاهره قلم اعلی بر شهادتش شهادت داده و باینکلمه علیا ناطق انّ الشّهد یشی و یتکلم و یخدم امر مولاه چند سنه قبل از صعود در دفتر شهدا اسمش از قلم اعلی مذکور و مسطور امروز خدمت شما و نصرت امر اعظم است از هر عملی سبحان الله کورهای عالم از مشاهده محرومند و کرها از اصفا ممنوع یا ایها الناطق باسمی و الذّاکر بثنائی اغنام الهی ما بین ذیاب محصورند حارس و حافظی جز حق نداشته و ندارند و آنجناب باید بکمال حکمت حرکت نماید و بآنچه الیوم لازمست تمسّک جوید اوّل آنکه در قری و مداینیکه نارفته مشتعل توجّه بآنشطر جایز نه عدل و انصاف در ایران بمثابّه عنقا شده مدّتی بود که حضرت سلطان در حفظ اغنام الهی همت گماشته بود در هر صورت از سایر عباد رحمان داشته و دارند شفقت و رحمت و عنایتش نسبتی بسایرین نداشته و ندارد از ارض صاد مفتریاتی ذکر نموده و ارسال داشته‌اند انا لا نحبّ ان نظهر ما هو المستور خلف سرادق العلم و ثانی اولیاییکه در بأسا و ضراً مضطرب و خائف مشاهده میشوند بأسی بر آن نفوس نه چگونه است حال مرغیکه عقاب ببند و حال غنمیکه از اطراف ذیاب مشاهده کند کمال مرحمت را باید در باره آن نفوس مبذول داشت و اگر هم امر خلافی و یا کلمه نالایقی از ایشان ظاهر شود باید بصبر جمیل تمسّک جست و بستر اکبر که از نتایج اسم ستّار الهی است تثبّت نمود چه اگر ترک اولی از بعضی ذکر شود سبب حزن آن بیچاره و انفعال او شود و این لدی الله محبوب نه حالت اینمظلوم بر کل معلوم است و اراده‌اش واضح و هرگز ملاحظه حفظ خود ننموده و نمینماید در لوح حضرت سلطان اینکلمه علیا از قلم اعلی نازل که معنی آن بفارسی اینست اینمظلوم جالس است در تحت سیفیکه بخیطی یا بشعری معلق معلوم نیست حال وارد شود و یا ساعت دیگر و یا یوم دیگر بکرات در حبس رفتیم و در کوچه‌ها و بازارها مثل اسرا ما را گردانند و جمیع آنچه وارد شد و حمل نمودیم مقصود آنکه عموم اهل عالم از ضغینه و بغضا مقدّس شده بنور محبت و مودّت و اتفاق منور گردند باری این ایّام توجّه بارض شین و صاد جایز نه نفوس مقبله ثلثه و رابع علیهم بهاء الله را دوست و دشمن هر دو موجود شیاطین ارض و ذیاب آن در صدد بوده و هستند لذا ورود آنجناب در آن ارض مصلحت نه در ارض صاد باید حال نفسی از اهل آن ارض بر خدمت قیام نماید و بحکمت تمسّک جوید و بنور بیان افنده و قلوب را منور نماید نسئل الله ان یبعث فیها من یدکرنی و ینصرنی و لا یمنعه الظلم عن العدل و لا الضّوضاء عن الاستقامه علی نبأ الله ربّ العرش العظیم

و این ایّام ذکر اسامی اولیا بر رؤس الواح مقدّسه جایز نه و لکن من غیر اسم عدد اسم اعظم الواح منزله بخطّ غصنین و خادم و عدد ها بخطّ غصن اکبر ارسال شد باسم جود امر نمودیم تفصیل اعطاء الواح را مذکور دارد

ذکر جناب میرزا مهدی خا علیه بهاء الله را نمودید انه معه یشهد و یری و هو السّميع البصیر بعنایت حق مطمئن باشند و بفضلش موقن لله الحمد از اوّل ایّام از کوثر بیان آشامیدند و از ریحی مختوم قسمت عظیم بردند او و اولیای آن ارض را سلام و تکبیر میرسانیم و بانوار تجلّیات آفتاب حقیقت بشارت می‌دهیم در این ایّام مجدّد ذکرشان از قلم اعلی نازل لو نشاء رسله فضلاً من عندنا ان ربّک هو الفضال الکرم

اولیای آن اطراف طراً را از قبل مظلوم ذکر نما بگو از ظلم ظالمین محزون مباشید نسل الله تبارک و تعالی ان یعرفکم
مقامات الذین اقبلوا و اجابوا اذ ارتفع النداء بین الارض و السماء و شربوا رحيق الاستقامة من هذه الکأس الّتی تفتخر
على البحور

یا حیدر قبل علی علیک بهائی قل

الهی الھی عندک کنوز الابصار و الآذان اسئلك بعینک الّتی لا تنام و باسمک الّذی به سخرت الانام و بجر آیاتک و
ملکوت بیانک بان لا تحرم عبادک عن المشاهدة و الاصغاء انّک انت مولی الوری لا اله الا انت الفضال البصار صلّ
اللهم یا الھی علی اصفیائک و امنائک الذین ما خوفتهم اسیاف العالم و ما منعتهم سبحات الذین کفروا بیوم الدین انّک
انت المقتدر العلیم الحکیم